

شخصیت شناسی علامه سید محمد قلی موسوی لکهنوی ناصرالدین انصاری قمی*

اشاره:

حدود دو قرن است که نام و یاد علامه کبیر سید محمد قلی موسوی و فرزندان، نوادگان، خاندان و نیاکانش در بلاد هند و دیگر کشورهای اسلامی، آوازه افکنده و بیت اصیل و شریف او، از بیوت پرافتخار شیعه در عالم اسلام است.

سیدمحمد قلی و فرزندان در زمانی می‌زیستند که هجوم به باورها و عقاید شیعه، به اوج خود رسید و مولوی عبدالعزیز دهلوی (م ۱۲۳۹ق) با نگارش **تحفه اثنا عشریه**، به ردّ و نقد مذهب حقّه امامیه برخاست و با عباراتی سخیف و خالی از برهان و آکنده از تهمت و دروغ، به شیعه حمله کرد. وی با کتابش، خدمتی بزرگ به استعمار بریتانیا - که در پی غارت ثروت و منابع عظیم انسانی و مالی به هندوستان آمده بود - نمود. با گذشت زمان و ترجمه و تلخیص این کتاب به زبان‌های اردو و عربی، نیروهای عظیم امت اسلامی، دچار تفرقه و اختلافی شدند که همچنان ادامه دارد. وی، این کتاب را پیش از بحث با علمای شیعه منتشر

* . نویسنده و پژوهشگر حوزه علمیه

کرد. در این زمان مردان حق و رجال حقیقت، مانند: میرزا محمد دهلوی (صاحب **نزهت اثناء عشریه**) و سید محمد قلی موسوی و فرزندش میرحامد حسین (صاحب **عبقات**) به پا خاستند و از ساحت مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام) مردانه دفاع کردند؛ آنان حق را آشکار ساختند و کتاب‌های عظیم و جاودانه‌ای مانند: **تشییذ المطاعن و عبقات الانوار** را پدید آوردند. این مقاله، به شرح زندگی علامه بزرگ و فقیه و متکلم سترگ شیعه آیه‌الله العظمی سید محمد قلی موسوی لکهنوی می‌پردازد. شخصیتی که هنوز - بعد از دوپست سال - اثر نفس شریفش در شهر «لکهنو» باقی است. خانواده‌اش همچنان پرچمدار علم و فقهت هستند و کتاب‌هایشان، پرتو افکن حق و حقیقت. نام و یادشان جاودانه باد.

ولادت

علامه بزرگ سید محمد قلی موسوی، در بامداد روز دوشنبه پنجم ذی‌قعدة ۱۱۷۴ یا ۱۱۸۱ ق در «کُنتور» زاده شد.^۱ (مطابق با سال ۱۷۷۴ م و ۱۱۵۳ هجری شمسی) نسب آن سید بزرگوار با ۲۵ واسطه به حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌رسد؛ بدین شرح:

سیدمحمد قلی، بن سید محمد حسین معروف به الله کرم، بن سید حامد حسین، بن زین العابدین، بن سیدمحمد بولاقی، بن سیدمحمد معروف به سید ملا، بن سید حسین معروف به سید میئر، بن سید حسین، بن سید جعفر، بن سیدعلی، بن سید کبیرالدین، بن سید شمس الدین، بن سید جمال الدین، بن ابوالمظفر سید شهاب الدین حسین (ملقب به سیدالسادات)، بن سیدعزالدین محمد، بن سید شرف الدین ابوطالب، بن سیدمحمد محروق، بن حمزه، بن علی، بن ابی محمد، بن جعفر، بن مهدی، بن ابی طالب، بن علی، بن حمزه، بن ابی القاسم حمزه، بن الامام الکاظم موسی بن جعفر (علیه السلام).^۲

۱. آزاد کشمیری، محمد علی، **نجوم السماء**، ص ۴۴۷. اما این تاریخ ولادت با نوشته سید اعجاز حسین (فرزند سیدمحمد قلی) - که او را در وقت وفات پدرش هفت ساله دانسته (و فوت پدرش در ۱۱۸۱ می‌باشد) درست در نمی‌آید. تاریخ ولادت سیدمحمد قلی، طبق این حساب ۱۱۷۴ است؛ و اهل البیت ادوی بما فی البیت.

۲. کشمیری، میرزا محمد مهدی، **تکملة نجوم السماء**، ج ۲، ص ۲۵؛ آقا بزرگ تهرانی، **کرام البررة**، ج ۳، ص ۲۵۴.

خاندان

او از خاندانی بزرگ - از سادات مشهور نیشابور - با پیشینه‌ای علمی و سترگ برخاست. پدرش سیدمحمد حسین (معروف به الله کرم)، از علما و فقهای زمان خویش بود که بسیاری از علوم را نزد مولوی عبدالرب حضرت پوری (که در نهن، شیعه بود) آموخت و قرآن و بسیاری از کتب حدیثی را مانند: تحفه الزائر و حق الیقین (علامه مجلسی) و جامع عباسی (شیخ بهایی) را استنساخ کرد.

نواده‌اش سیداعجاز حسین، درباره او می‌نویسد:

سید محمد حسین، فرزند سید حامد حسین، فرزند سید زین العابدین کنتوری نیشابوری، عالم فاضل زاهد، فقیه با تقوا و پرهیزگار بود و مانند پدرش در زهد و عبادت، در زمان خودش یافت نمی‌شد. پدرم (سید محمدقلی) می‌گفت: او از اوّل تکلیفش، نمازهای نافله‌اش فوت نشد و او صاحب کرامات، جلیل‌القدر، عظیم‌الشان و برکنار از خلق و دور از دنیا و اهلش بود.

اصول و فروع را از شیخ عبدالرب حضرت پوری فراگرفت و کتب بسیار به خطش نگاشت و دعاهای فراوان از کتب معتبره انتخاب و گردآوری کرد و قرآن را هم به خطش، کتابت نمود. و این کتاب‌ها در کتابخانه پدرم (ره) موجود است و زمانی که او درگذشت، والد علامه هفت ساله بود. وفات سید موصوف الصدر هم در سال ۱۱۸۱ بود.^۱

او پیش از ولادت فرزند برومندش در عالم رؤیا دید حضرت صاحب الزمان علیه السلام به او سه میوه عطا فرمود که دو تا نارس و یکی رسیده و کامل بود. پس از آن، خداوند سه پسر به وی داد که آن‌ها را مهدی‌قلی، هادی‌قلی و محمدقلی نامید؛ ولی دو فرزند نخست در کودکی و نوجوانی بدرود زندگی گفتند و تنها سید محمدقلی برایش ماند و «آن علامه را حق سبحانه و تعالی به فضل و کمال، فایق علی الامثال گردانید و تعبیر خواب آن عالی‌جناب به ظهور انجامید».^۲

۱. آزاد، نجوم السماء، ص ۴۴۸؛ کشمیری، محمد مهدی، تکمله نجوم السماء، ج ۱، ص ۲۲، به نقل از اعجاز

حسین در شذور العقیان؛ انصاری، ناصرالدین، اختران فقاہت، ج ۱، ص ۲۳۴

۲. به نقل از نجوم السماء.

نیاکانش همه از سادات عالی درجه نیشابور بودند که در حمله هولاکو خان مغول، از نیشابور به سوی هند، مهاجرت نمودند. آزاد کشمیری می نویسد:

سید شرف‌الدین با برادرش سید محمد، در حادثه هولاکو خان از مُلک خراسان برآمده، در دیار هندوستان رسیدند. وی دارای کمالات صوری و معنوی بود و در قصبه کنتور مقیم گشت تا آن که از این عالم نقل کرد. بعد از وی، سید عزالدین پسرش به جای پدر قائم مقام شد و از وی، پسر رشیدش میر سیدعلاءالدین (یا در نقل دیگر ابوالمظفر شهاب الدین) متولد گشت و بعد از بلوغ، انواع علوم صوری و معنوی حاصل کرد. او به مدارج دینی و دنیوی رسید و در مرتبه ارشاد و بذل و عطا مشهور بود و صاحب تصانیف لایقه است. در قصبه کنتور نشو و نما یافت و در همان جا وفات کرد و همگی سادات نیشابور که در آن جا رحل اقامت انداخته‌اند، از نسل سید علاءالدین مذکورند و الحال هم اکثر اعیان و اشراف، از نسل سید مزبور در قصبه کنتور موجودند و مرقد پاکش، در کنتور زیارتگاه خلائق نزدیک و دور است.^۱

تحصیلات

سید محمد قلی، کتاب‌های اولیه را در لکهنو نزد فضلالی عصرش فرا گرفت و پس از آن به محضر پرفیض علامه غفران مآب سید دلدار علی نقوی (۱۱۶۶-۱۲۳۵ق) رسید و از او بهره‌های فراوان برد و خود با فکر، دقت و مطالعه در اکثر علوم و فنون - به ویژه در علم کلام - تبحر و احاطه بسیار پیدا کرد. عظیم آبادی می نویسد: «اکثر کتب درسیه را به فکر و مطالعه خود برآورده، به غایت ذکی الطبع و حدید الذهن بود».^۲

تدریس و قضاوت

آوازه مرحوم علامه سید محمد قلی و تدریس او، بسیاری از فاضلان و دانش پژوهان را به

۱. همان، ص ۴۴۷، به نقل از مرآة الاسرار و مرتضی حسین در مطلع انوار، ص ۵۹۹

۲. حسینی رضوی عظیم آبادی، تذکرة العلماء (ضمن ورثه الاتبیاء)، ص ۳۲۰

سویس کشانید. او، نخست در شهر «میرتپه» - از توابع لکهنو و نزدیک دهلی - به تدریس، قضاوت و احیای حق و عدالت اشتغال داشت و متصدی مقام فتوا بود و در آن جا رساله «عدالت علویه» در بیان احکام قضا و افتا و شرایط قاضی و مفتی را نگاشت. به نوشته مرتضی حسین: «او در فیصله دادن مرافعات و حل مشکلات طرفین دعوا شهرت یافته بود و درباره کرامات وی سخن‌ها شنیده شده است»^۱. به نوشته آزاد کشمیری:

... رساله عدالت علویه که شاهد عدل بر حزم و احتیاط آن جناب است، در همان احوال تألیف نموده و حکایات قضا و افتا و فیصله جات آن والاصفات بر السنه و افواه عام و خاص، سایر و دایرند. و از جمله کرامات باهرات آن جناب است آن چه از بعض ناقلین به سمع راقم الحروف رسیده که وقتی که آن جناب در قضایای مرفوعه نظر میفرمود و در فصل خصومات شروع مینمود و بعد امعان نظر، حق را به سوی احد المتخاصمین ظاهر میفرمود، چنان به وقوع می پیوست که اگر یکی از آن دو شیعی است، او را بر مقابلش که از مخالفین می بود ظفر حاصل می آمد و همچنین اگر یکی از ایشان از اهل اسلام می بود و خصم او از کفار، حق به سوی اسلامی ظاهر و آشکار می شد.^۲

تدریس

آن عالم بزرگ، در مدت تدریس خویش، شاگردان فراوانی پرورش داد که برخی از آنان عبارتند از:

۱ - فرزند برومندش، علامه کبیر سیدمیرحامد حسین (۱۲۴۶ - ۱۳۰۶ ق) صاحب عبقات الانوار؛

۲ - فرزند بزرگترش، مولانا سید سراج حسین (۱۲۱۱ - ۱۲۷۳ ق) حکیم، طبیب، ریاضی دان و صاحب «رساله در مخروطات»؛

۱. مرتضی حسین صدر الافاضل. مطلع انوار، ص ۶۰۰

۲. آزاد، محمدعلی، نجوم السماء، ص ۴۴۸

- ۳ - فرزند میانی اش، علامه سید اعجاز حسین (۱۲۴۰-۱۲۸۶ق) صاحب کشف الحجب و شذور العقیان؛
- ۴ - سلطان العلماء سید محمد نقوی نصیرآبادی (۱۱۹۹-۱۲۸۴ق) صاحب طعن الرماح و الضربة الحیدریتة.
- ۵ - دامادش، سید غلام حسنین کنتوری (۱۲۴۷-۱۳۳۷ق) صاحب انتصار الاسلام.

تألیفات

از آن متکلم نامی شیعه، تألیفات و تصنیفات بسیار در علوم فقه، حدیث، تفسیر و بیش از همه کلام و عقاید برجای مانده است. روشن است که تألیف کتب متعدد کلامی نیازمند آگاهی‌های بسیار در دانش‌های گوناگون است که این مهم در جایجای نوشتارهای علامه سید محمدقلی به چشم می‌خورد. صاحب تذکرة العلماء درباره او می‌نویسد:

مدقق محقق، فاضل لودعی (بسیار زیرک)، سید جلیل اوحد المعی (تیزهوش)، مولوی سید محمد بن محمد بن حامد کنتوری، مشهور به سید محمدقلی که یکه‌تاز معرکه فضل و کمالات و مناظر میدان مناظرات و مباحثات بود. تصانیف انبیه‌اش بر نصرتش مذهب حق را دلیلی است ساطع و برهانی است قاطع ...^۱

مرتضی حسین هم می‌نویسد:

وی در حدیث، رجال، تاریخ و مناظره رکن بزرگی در شبه قاره هند بود. کتاب‌هایش برای ملت جعفریه باعث افتخار است؛ چراکه دری تازه در زمینه تفسیر و کلام و مناظره بر روی اهل تحقیق و بحث گشود. وی در وسعت نظر و دقت در تحقیق و رعایت اصول نگارش یگانه عصر خویش بود و در حقیقت، یکی از مناظرین برجسته شبه قاره هند به‌شمار میرفت ... ۲.

۱. حسینی رضوی، سید مهدی، تذکرة العلماء، ص ۳۲۰

۲. صدرالافاضل، مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۶۰۱

نویسندهٔ نجوم السماء هم می نویسد:

از اکابر متکلمین عظام و اجله علمای اعلام و اساطین مناظرین فخام (بلند مرتبه) - بود - . چَد و جهد و کَد و کَد او در اعلای لوای شریعت و حمایت دین و ملت کالنور علی شاهق الطور (مانند روشنایی بر بلندای کوه طور) بر السنه جمهور مذکور (بر زبانهای تمام مردمان جاری) [است] و نوادر تحقیقات و غرایب تدقیقات و محامد صفات و معالی کرامات آن رفیع الدرجات در مصنفات و مؤلفات متأخرین مرقوم و مسطور [است]. صیت فضل و کمال آن محیی طریقهٔ آل در شش جهت احاطه نموده، در سایر علوم دینی و انواع فنون یقینی، خاصه در فن تفسیر و علم کلام بینظیر و امام همام بود. کتاب مستطاب **تقریب الافهام** در تفسیر آیات الاحکام، از مصنفات آن جناب بر غزارت (بسیاری) علم و فضل و تبحر و علو مرتبه او در علم تفسیر، دلیلی است روشن و حجتی است مبرهن. بالجمله توصیف و تعریف آن مستجمع الکمالات از حیث تقریر و تحریر بیرون است:

زبانش مظهر اسرار تحقیق ضمیرش مطلع انوار توفیق
ز توضیح بیانش گشته روشن بر اهل علم هر مشکل ز هر فن^۱

فرزندش علامه سیداعجاز حسین هم می نویسد:

پیشوای بلند همت و آقای بزرگوار، مقدس پرهیزکار و صاحب افتخار پایدار، رسیده به بالاترین مراتب دانش و کردار که در آن سستی و لغزش و انحراف راه ندارد. دارای عزت استوار و افتخار بلند مرتبه، اهل فهم و دقت بسیار پدرم علامه بزرگوار - که خداوند درجاتش را بلند گرداند - همواره مشغول تألیف و ترویج شعائر دین و شب و روز در اندیشهٔ دفع شبهات مخالفین بود. وی پُر عبادت، خوش اخلاق و برکنار از مردمان بود.^۱

و صاحب ریحانه هم می نویسد: «مفتی از اکابر علمای امامیه هند که بسیاری متبع و محقق مدقق و جامع معقول و منقول و متکلم جدلی حسن المناظره بوده و در ردّ مخالفین مذهب اهتمام تمام داشته [است]»^۱.

تألیفات آن علامه بزرگ و محدث سترگ شیعه در فنون مختلف، عبارتند از:

- ۱- تقریب الأفهام فی تفسیر آیات الأحکام (فارسی)^۲
- ۲- تطیهر المؤمنین عن نجاسة المشرکین؛ در احکام نجاست کفار(هند، ۱۶۲۱ق)؛^۳
- ۳- احکام عدالت علویه (فارسی)؛ در دوازده باب و یک خاتمه (هند)؛^۴
- ۴- أبنیه الافعال؛ در علم صرف (اردو)^۵
- ۵- تکمیل المیزان لتعلیم الصبیان؛ شرح کتاب میزان در علم صرف^۶
- ۶- الحواشی و المطالعات^۷
- ۷- نفاق الشیخین بحکم احادیث الصحیحین؛^۸ (هند، مطبعه شریفیه) ۵۶ صفحه. (مؤلف دو حدیث صحیح از بخاری و مسلم آورده: ۱. در بیان علامات نفاق؛ ۲. در نزاع امیرالمؤمنین علیه السلام و عباس در امر فدک)؛
- ۸- مزیل الوسواس فی ردّ من تبع الخناس؛^۹ نسخه خطی ناقص آن در کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی در قم (به شماره ۹۸۸) موجود است.^{۱۰}
- ۹- رساله در تقیه (فارسی، لکهنو)؛ فرزندش میرحامد حسین آن را به اردو ترجمه و در مجله الاصلاح چاپ کرده است؛^{۱۱}

۱. مدرس خیابانی، ریحانة الادب، ج ۴، ص ۵۵

۲. الذریعه، ج ۴، ص ۳۶۶؛ کرام البررة، ج ۳، ص ۲۵۵

۳. الذریعه، ج ۴، ص ۲۰۲

۴. همان، ج ۱، ص ۲۹۹؛ اعجاز حسین، کشف الاستار، ص ۲۷

۵. الذریعه، ج ۱، ص ۷۲

۶. همان، ج ۴، ص ۴۱۶

۷. به نقل از مقدمه تشیید المطاعن.

۸. تذکره العلماء، ص ۳۲۱ (پاورقی)؛ الذریعه، ج ۲۴، ص ۴۳

۹. تذکره العلماء، (پاورقی)، ص ۳۲۱

۱۰. حسینی اشکوری، سید احمد، فهرست نسخه های خطی مرکز احیای میراث اسلامی، ج ۳، ص ۲۱۰

۱۱. الذریعه، ج ۴، ص ۴۰۵

۱۰- رساله در گناهان کبیره (فارسی)^۱

۱۱- **سیف ناصری**؛ ردّ باب اول تحفه اثنا عشریه عبدالعزیز دهلوی (که درباره تاریخ

فرقه‌های شیعه است)؛ نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی، به ش ۱۱۴

(در ۲۸۸ برگ وزیری) موجود است؛^۲

۱۲- **تقلیب المکائد**؛ ردّ باب دوم تحفه اثنا عشریه (فارسی).^۳ این کتاب، در کلکته، در سال

۱۲۶۲ق به چاپ رسیده و در دست چاپ مجدد است.

۱۳- **برهان سعادت**؛ ردّ باب هفتم تحفه اثنا عشریه (فارسی).^۴ این کتاب در موضوع امامت

ائمۀ طاهرین (علیهم‌السلام) بوده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه راجه‌رضا (رامپور - هند) به شماره

۵۵۵ در ۵۱۰ برگ موجود است.^۵ آزاد کشمیری، درباره آن می‌نویسد:

نسخ این کتاب، در حیات آن جناب، به اکناف و اقطار مشتهر گشته و علمای اعیان و نبه‌های عالیشان عصرش به وصف آن کتاب، رطب‌اللسان بودند. جناب سلطان العلماء مولانا السید محمد - طاب مرقده - در بعض مکاتیب خود که به آن جناب نوشته، مدح و ثنای بلیغ در حق کتاب مزبور فرموده و معاصرش عین الاعیان مرحوم سبحان علی خان هم در مکتوبی ... نوشته:

«ابر مدارار عنایت، بحر زخار رأفت، محیط معقول و منقول، حاوی فروع و اصول، مولوی صاحب، مخدوم نیاز کیشان، تحریر زمان دام مجددکم. سرلوح نیاز نامه به نیازمندی‌ها نموده، گزارش میدهد که رساله ردّ تحفه اثنا عشری تصنیف ملا زمان را دیدم. سبحان الله! چقدر درر غرر جواب‌های دندان‌شکن از بحر طبع گرامی سر بر زده و الحق چنین جوابی کمتر از

۱. همان، ج ۱۷، ص ۲۵۹؛ اعجاز حسین، **کشف‌الاستار**، ص ۲۸۰

۲. **تذکره العلماء** (پاورقی)، ص ۳۲۰، به نقل از استادی، رضا، «فهرست دویست و سی نسخه خطی»، مجله نور

علم، ش ۵۴، ص ۹۵؛ الذریعه، ج ۱۲، ص ۲۹۰

۳. همان‌جا و الذریعه، ج ۴، ص ۲۸۹

۴. همان و الذریعه، ج ۳، ص ۹۶

۵. **تذکره العلماء**، (پاورقی) ص ۳۲۰

فضلای سابق هم سرانجام یافته باشد. هر فقره‌اش ذوالفقاری است برای قطع رؤس ادله مخالفان. اگر غلط نکنم به آن جناب ارث از جناب حیدر کرار رسیده بر وجود سراپا خیر و برکت سامی. امروز اهل حق، هر قدر که نازش نمایند می‌زیبد. خامه مقصور اللسان چندان که به مدح طرازی جناب پردازد، اندکی است از بسیار. زیاده نیاز سبحانعلی»^۱.

۱۴- **تشبیه المطاعن لكشف الضغائن**؛ ردّ باب دهم تحفه اثنا عشریه (فارسی)^۲ این کتاب درباره مطاعن، قبايح افعال و بدعت‌های خلفای ثلاث است. این کتاب شریف چند بار در هند، و اخیراً در ۱۶ جلد (همراه با یک جلد مقدمه) با تحقیق آقایان: غلام نبی بامیانی، میر احمد غزنوی و برات‌علی سخیداد به چاپ رسیده است.

مؤلف، در این کتاب تمام مطاعن خلفای جور را از نظر رجال، حدیث و تاریخ، استوار ساخته و تمام نقض‌های عبدالعزیز دهلوی - که در حقیقت، بافته‌های علمای عامه است - را از دیدگاه حدیثی و رجالی باطل و دروغها و تهمت‌های آنان را فاش کرده است. سید اعجاز حسین، درباره آن می‌نویسد: «تشبیه المطاعن، کتابی است که هیچ‌کس مانند آن را ندیده و تاریخ همتایش را پیدا نخواهد کرد. آن، دربرگیرنده الزام‌های استوار و پاسخ‌های محکم و پایدار است و مشتمل بر مطالبی است که در هیچ کتابی، این مطالب - که سبب قطع نزاع و فصل خطاب به جواب‌های شافی است - یافت نمی‌شود»^۳.

آزاد کشمیری هم می‌نویسد:

... و آن کتابی است نهایت مبسوط در دو مجلد کبیر که مثل آن در حسن بیان و رشاققت عنوان و لطف تقریر و متانت تحریر و استیعاب اقوال و ضبط احوال رجال و افحام (خاموش کردن) معاندین و قطع لسان جاحدین و استیعاب شبهات مخالفین و ایضاح عوار غلطات این جماعت زائغین (روشن‌گری نابینایی غلط‌های این گروه آواره و گمراه) از سابق زمان تا این اوان از تصانیف احدی از علمای اعلام و افاضل عالی مقام،

۱. آزاد کشمیری، محمدعلی، **نجوم السماء**، ص ۴۴۹

۲. الذریعه، ج ۴، ص ۱۹۲

۳. اعجاز حسین، موسوی، **كشف الحجب والاسرار**، ص ۱۲۲

به ظهور نرسیده.^۱

محمد امین مرعی الظاکی هم مینویسد:

تشبیه المطاعن از نفیس ترین، ارزشمندترین و با عظمت ترین کتاب هاست. به خدا سوگند! این کتاب، گوهری ارزشمند و دری بیمانند و یگانه روزگار است، که دیگران از آوردن مانند آن ناتوانند. این کتاب، افتخار زمان ماست. هیچ یک از نویسندگان چنین نوشتاری نداشتند تا بر او پیشی گرفته باشند. او از همه گوی سبقت را ربوده و کسی را یارای تقدیم بر او نیست. در این کتاب، مطالبی گردآوری شده که در کتاب‌های گسترده دیگران - که بزرگان گواهی بر عظمت آن‌ها داده‌اند - پیدا نمی‌شود. کسی که این کتاب را داشته باشد مغبون نیست و هر کس مطالب آن را بداند، نادان نیست.

چه بسیار کسانی که به واسطه این کتاب گران‌مایه هدایت و رهنمون شدند، که شمارش آن‌ها در حساب ناید و در این کتاب نشاید؛ چه از شهرهای هند و چه از بلاد اسلامی.

پس از انتشارش، دانشمندان و نویسندگان با آغوش باز آن را پذیرفته و از هر طرف به سویش سرازیر شدند تا آن که نسخه‌هایش تمام شد... من پس از دیدن آن کتاب، آن‌را بسیار بزرگ‌تر از آن چه شنیده بودم، یافتم. آری؛ آن گوهری است گران‌قیمت که نمی‌توان برایش قیمتی گذاشت.^۲ مؤلف در این کتاب با مراجعه فراوان به کتب شیعه و سنی - اعم از کتاب‌های لغت، ادبیات، شعر، تفسیر، تاریخ، اخبار و احادیث، فقه، اصول، کلام، رجال و تراجم - طرفه معجونی ساخته و گلستانی با طراوت پرداخته که گذشت روزگار، از صفا و پاکی آن نکاهد و کسی جوابش را نیآورد.

۱. آزاد کشمیری، میرزا محمدعلی، نجوم السماء، ص ۴۴۹

۲. الانطاقی، محمد امین، لماذا اخترت مذهب اهل البيت (علیهم السلام)، ص ۴۲۱. او از علمای شافعی مذهب حلب (سوریه) بوده که پس از مطالعات فراوان، به حقانیت مذهب تشیع پی برد و از مذهب عامه دست کشید و به مذهب اهل بیت (علیهم السلام) گروید و این کتاب را نگاشت (که به فارسی هم ترجمه شده است).

در مقدمه خواندنی چاپ جدید این کتاب - که بسیار برایش زحمت کشیده‌اند و حق مطلب را ادا کرده‌اند - از ۳۵۰ کتاب از مصادر آن - که شاید در ۲۰۰۰ جلد باشد - نام برده‌اند. نسخه‌های خطی و چاپی این کتاب فراوان بوده و نسخه‌هایی از آن، به خط، حواشی، تکمیل و استدراک فرزند برومندش میرحامد حسین در کتابخانه آستان قدس رضوی (علیه‌السلام) موجود است.

در آغاز جلد اول کتاب (چاپ ۱۲۸۳ در چاپخانه مجمع البحرین) آمده:

تشییذ المطاعن وكشف الضغائن

تصنیف جناب معلاً القاب، عمدة المناظرین و قدوة المتكلمین، غرة محاسن الايام و فخر فضلاء الانام، فارس مضمار الكلام، مؤید دین الاسلام، المترقی من سنام الغر و الكمال أعلاه و الراقل من ملابس الفخر و الجلال في أبهائه، حامی الدین و الشریعة، حائز المقامات السنیة الرفیعة، مغرس مصاص الفضل المعرق، مطلق صراح المجد المشرق، معدن الاسرار الدینیة، منبع الانوار الالهیة، المحرز لقصبات الشرف الخفی و الجلی مولانا السید محمد قلی - اعلي الله في الملاء الاعلي ذكره و انار في سماء الفضل و القدس بدره.

۱۵- **مصارع الافهام لقطع (القلح) الاوهام**؛ ردّ باب یازدهم تخفّة اثنا عشریه که در اوهام،

تعصبات، هفوات و مغالطات اوست.^۲ ظاهراً این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است.

۱۶- **الاجوبة الفاخرة فی ردّ الاشاعرة**؛^۳ ردی بر رشید الدین دهلوی است که در جواب

سیف ناصری، کتابی نگاشته بود و مؤلف، ردود او را پاسخ گفته است.

۱۷- **فتوحات حیدریه**؛ ردّ بر صراط المستقیم عبدالحی برهانوی (م ۱۲۴۳) که در آن از

اقامه مجالس ماتم امام حسین (علیه‌السلام) منع کرده و آن‌ها را بدعت دانسته است. مؤلف، جواز

سوگواری و گریه و عزای بر امام حسین (علیه‌السلام) را از کتاب‌های عامه، ثابت کرده است.^۴

۱. به نقل از مقدمه تشییذ المطاعن، ج ۰، ص ۲۰۳.

۲. اعجاز حسین، کشف الحجب والاستار، ص ۵۲۴؛ الذریعه، ج ۲۱، ص ۹۶؛ آزاد کشمیری، نجوم السماء، ص ۴۵۰.

۳. نجوم السماء، ص ۴۵۰؛ الذریعه، ج ۱، ص ۲۷۷.

۴. الذریعه، ج ۱۶، ص ۱۱۶.

۱۸- **شعلة ظفریة لإحراق الشوكة العمریة**؛ ردّ بر شوکت عمریه، نوشته رشیدالدین خان - شاگرد عبدالعزیز دهلوی - که آن را در ردّ بارقه ضیغمیه، تألیف سلطان العلماء سید محمد بن دلداری علی نوشته بود و پس از شعله ظفریه، سلطان العلماء هم کتاب ضربه حیدریه را در ردّ بر شوکت عمریه نگاشت.^۱ مؤلف در این کتاب، به اثبات حلیت متعتین (متعّه حج و متعه زنان) با استفاده از کتب اهل سنت پرداخته است.

۱۹- **رساله در وجوب غسل مسّ میت**. نسخه آن در کتابخانه ناصریه - لکهنو به شماره ۹۰ (فقه و اصول) موجود است.^۲

۲۰- **مقدمه الهیه؛ ردّ مقدمه تحفه اثنا عشریه**.

درباره تحفه اثنا عشریه:

تحفه اثنا عشریه، نوشته مولوی عبدالعزیز بن شاه ولی الله دهلوی (م ۱۲۳۹ق) است که آن را در ردّ بر شیعه امامیه اثنا عشریه در دوازده باب نگاشته است. صدر الاسلام خوبی می نویسد: عبدالعزیز دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶) که فاورقی نسب (یعنی به عمر فاروق نسب میرسانید) و قادری الطریقه (در تصوف، پیرو عبدالقادر گیلانی) بود، کتاب صواقع خواجه نصرالله کابلی را - که بر ردّ شیعه بود - به دست آورد و حمیت جاهلیت و تعصب باطل، او را بر آن داشت تا کتاب را از عربی به اردو درآورد و آن را به نام خویش در ۱۲ باب، منتشر سازد. وی، در این کتاب، در هر باب به گمان نادرست و خیال باطل خویش به هدم ارکان تشیع پرداخته و باعث ایجاد فتنه و اختلاف عمیق گردید. وی، از بیم امیر نواب نجف خان - که متصلّب در تشیع و دارای قدرت و شوکت و عظمت بود - کتاب را به نام شخصی مجهول و مستعار (غلام حکیم) منتشر کرد. ابواب دوازده گانه کتاب عبارتند از:

۱. مذهب شیعه و فرقه های آن؛

۲. مکاید شیعه؛

۱. همان، ج ۱۴، صص ۱۹۸-۱۹۹؛ **مرآة الشرق**، ج ۲، ص ۴۹

۲. **تذکره العلماء**، ص ۳۲۱ (پاورقی)

۳. پیشوایان شیعه؛

۴. راویان شیعه و بیان حال اخبار و احادیث آنان؛

۵. عقاید شیعه در توحید؛

۶. عقاید شیعه در نبوت؛

۷. عقاید شیعه در امامت؛

۸. عقاید شیعه در معاد و رجعت؛

۹. فتاوی و فروع فقهی شیعه؛

۱۰. مطاعن خلفای سه‌گانه از دیدگاه شیعه؛

۱۱. اوهام و عاداتهای شیعه؛

۱۲. تولی و تبری از دیدگاه شیعه.

پس از انتشار کتاب، گروهی از علمای شیعه، دامن همت به کمر بسته و به نقد و پاسخ به این کتاب پرداختند. نخستین بار، میرزا محمد کامل کشمیری دهلوی (م ۱۲۳۵) بود که با کمال احاطه و تبحر در علوم گوناگون، کتاب نزع اثنا عشریه را نگاشت و حق را نمایان و باطل را پنهان و نابود ساخت. سپس به بیان ردود و نقود کتاب پرداخته و بسیاری از آن‌ها را نام برده است.^۱

شیخ آقا بزرگ تهرانی هم به سرقت و انتحال این کتاب از خواجه نصرالله کابلی تصریح کرده و تاریخچه‌ای از کتاب تحفه و صواق الموبقة و ردود بر آن، گزارش کرده است که خواندنی است.^۲ ترجمه آن مطالب نیز در مکارم الآثار - به اضافه مطالب دیگر - آمده است.^۳ همچنین در مقدمه چاپ جدید تشیید المطاعن به صورت گسترده و مستوفی از تحفه و صواق الموبقة و ترجمه‌ها و نقدها و فهرست مطالب «تشیید» سخن رفته و به خوبی، حق

۱. صدرالاسلام خوبی، محمد امین، *مؤاة الشرق*، ج ۲، ص ۱۱۲۴. هر چند با دسیسه عبدالعزیز دهلوی، میرزا محمد کامل کشمیری مسموم و به شهادت رسید (همان).

۲. *الذریعه*، ج ۱۰، صص ۱۹۰-۱۹۱ و ج ۳، ص ۱۷۷

۳. معلم حبیب آبادی، محمدعلی، *مکارم الآثار*، ج ۴، صص ۱۰۸۹-۱۰۹۱

مطلب ادا شده است.^۱

مرحوم علامه سیدمحمد قلی، تمام ردیه‌ها و پاسخ‌های خود را تحت عنوان کلی «الاجناد الإثنا عشریة المحمدیة»^۲ نامیده و ردّ و نقد هر باب را به نام خاصی، نام‌گذاری کرده است.

کتابخانه ناصریه

یکی دیگر از آثار ماندگار علامه سیدمحمد قلی، تأسیس و بنیاد کتابخانه‌ای است که بعدها با تلاش و کوشش فرزندش میرحامدحسین و نوه‌اش سیدناصر حسین، گسترش یافت و اکنون، در لکهنو بنام «کتابخانه ناصریه» یکی از عظیم‌ترین کتابخانه‌های شیعه در بلاد هند و کشورهای اسلامی و آکنده از کتاب‌های چاپی و خطی شیعه و سنی است. این کتابخانه، هم‌اکنون به نام «مکتبه ناصریه» در لکهنو دارای ساختمان بزرگ و باشکوهی است و در استانداری ردیف بودجه دارد و به‌خوبی از آن نگهداری می‌شود. فهرست کتاب‌های خطی آن در کتابخانه آیه‌الله مرعشی در قم موجود است و عکس‌ها و فیلم‌های بسیاری از نسخه‌های خطی آن، در مرکز احیای میراث اسلامی قم وجود دارند. از این کتابخانه، در جای دیگر قلم زده‌ام.^۳

۲۰۲

فرزندان

از آن علامه سترگ، به جز کتابهای فراوان، شاگردان و فرزندان و نوادگان و خاندان گرامیاش باقی ماند که تاکنون منشأ خدمات بسیاری در لکهنو و بلاد هند بوده‌اند. نام نیک این خاندان، پس از گذشت دو قرن، همچنان در جوامع علمی شیعه طنین‌افکن است. آنان عبارتند از:

۱. علامه سید سراج حسین موسوی (م ۱۲۸۲ق)؛ او حکیم، فیلسوف،^۴ طبیب، مهندس و

۱. سخیداد، برات علی و دیگران، مقدمه تشیید المطاعن، صص ۴۶ - ۱۸۶

۲. الذریعه، ج ۴، ص ۱۹۳

۳. انصاری قمی، ناصرالدین، **اختران فقاہت**، ج ۲، صص ۱۰۷-۱۰۹

۴. از او مفصل در **اختران فقاہت** (ج ۱، صص ۲۳۶-۲۳۷) قلم زده‌ام.

ریاضیدان زمان خود بود.

۲. علامه سید اعجاز حسین موسوی (۱۲۴۰-۱۲۸۶ق)؛ صاحب کشف الحجب والاستار عن وجه الكتب والاسفار و نیز شذور العقیان فی تراجم الاعیان و همچنین شریک در تألیف استقصاء الإفحام با برادرش میرحامد حسین. محدث قمی درباره او می نویسد: «اوسط ایشان جامع الكمالات، منبع الافادات، سید عالیقدر و فاضل وسیع الصدر، صاحب التصانیف العدیة و التالیف المفیدة [بود]»^۱.
علامه تهرانی هم می نویسد:

وی، فقه و اصول و کلام و حدیث را از ابطال و فحول فرا گرفت تا به درجات والای علم و دانش دست یافت و به ارث از پدرش به بحث و تحقیق و کاوش و جست‌وجو، علاقه بسیار داشت و در مسایل امامت و خلافت، دستی گسترده و نظری دقیق داشت و با یاری برادر بزرگترش (صحیح کوچک‌تر) میرحامد حسین، کتاب «استقصاء الإفحام واستیفاء الانتقام» را در ردّ منتهی الکلام نگاشت، هر چند این کتاب به نام میرحامد حسین شهرت یافت، اما او در کلام و مناظره و جدل از برادرش کمتر نبود...^۲.

علامه سید حسن صدر هم می نویسد: «عالم عامل، فاضل کامل، متکلم معاصر، محدث حافظ ثقه ورع تقی نقی زاهد مروج مذهب...»^۳.

نقوی لکهنوی هم می نویسد: «فاضل لو ذعی، عالم المعی، المحدث الخبیر والحبر النحریر مولانا السید اعجاز حسین المرحوم»^۴.

۳. علامه بزرگ میرحامد حسین (۱۲۴۶-۱۳۰۶ق) صاحب عیقات (در ردّ باب هفتم تحفه اثنا عشریه). اعتماد السلطنه درباره اش می نویسد:

میرحامد حسین از آیات الهیه و حجج شیعه اثنا عشریه است. گذشته از

۱. محدث قمی، فوائد الرضویة، ص ۵۹۶

۲. آقا بزرگ تهرانی، کرام البررة، ج ۱، ص ۱۴۹

۳. صدر، سید حسن، تکمله امل الأمل، ج ۱

۴. نقوی، سید احمد، ورثة الانبیاء، ص ۴۱

مقام فقاہت، در علم شریف حدیث و احاطه تام بر اخبار و آثار و معرفت احوال رجال از شعب شیعه و اهل سنت و جماعت اولین شخص امامیه است قولاً مطلقاً. و در فن کلام لاسیما مبحث امامت، که از صدر اسلام تاکنون مابین دو فرقه بزرگ از این ملت میمون، معنون گردیده صاحب مقامی مشهود است و موقفی بین المسلمین مشهور. هر کس کتاب عبققات الانوار این بزرگوار دیده باشد، می‌داند که در ابواب مذکور در کتاب مسطور، از اولین و آخرین، احدی بدان منوال سخن نرانده است و بر آن نمط تضعیف نپرداخته...^۱

علامه سید حسن صدر هم می‌نویسد:

وی، در شمار بزرگ‌ترین متکلمان است و برترین عالمان نامی دین و اساطین استوار استدلال. او عمر خویش را در یاری ایمان و نگهبانی شریعت جدش، بزرگ پیامبران و امامان گذراند و دین را با تحقیقات گران بهایش یاری کرد و با دقت نظرهای والای خود و با آن براهین پیامبرانه و آن منطق و گفتار علی مانند و آن احتجاجات، که به سان احتجاج‌های امام رضا علیه السلام بود و بدین گونه روشن ساخت که باب هفتم تحفه، خطابه‌هایی است یاوه و عباراتی است هذیان که مردم جهان بدان می‌خندند...^۲

محدث قمی هم می‌نویسد:

سید اجل، علامه روزگار، وحید الأعصار، فرید الادوار، دریای ناپیداکنار، جامع علوم عقلی و نقلی، مدار فنون فرعی و اصلی، رهرو راه پدران پاکش و حمایت‌گر حریم نیاکان بزرگوارش، آیه الله فی العالمین و حجت الحق علی الخلق اجمعین، مولانا الاجل و سیدنا المبجل میرسید حامد حسین شکر الله مساعیه و انزله من الفردوس معالیه.^۳

۱. اعتماد السلطنه، محمدحسین خان، المآثر والآثار، ص ۱۶۸

۲. صدر سید حسن، تکمله امل الأمل، ج ۱

۳. محدث قمی، فوائد الرضویة، ص ۵۹۶

شیخ آقا بزرگ هم می‌نویسد:

وی، دانشمندی پر تتبع و پر اطلاع بود و بر آثار و اخبار و میراث اسلامی چیره. او در این تتبع و احاطه به مرتبه‌های رسید که هیچ یک از معاصرانش - و هم پیشینیان و آیندگان - به پایه‌اش نرسیدند. همه عمرش را به بحث و بررسی رازهای پنهان دین و دفاع از حریم اسلام و دین مبین گذرانید و من به یاد ندارم در این قرون اخیر، کسی همانند وی مجاهده کرده باشد و همه چیز خویش را در راه استواری حقایق دین از دست داده باشد. چشم روزگار در تمام شهرها و عصرها، در پژوهش و تتبع، در کثرت اطلاع، در دقت نظر و هوش، در حفظ و ضبط مطالب، کسی چون او ندیده است...^۱

خوانساری هم می‌نویسد:

لسان الفقهاء والمجتهدین وترجمان الحكماء والمتكلمین وسند المحدثین، مولانا سید حامدحسین بن مفتی سید محمد قلی موسوی نیشابوری کنتوری(ره) از اکابر متکلمین باحثین دیانت و ذابین بیضه شریعت و حوزه دین حنیف بود. وصیت او در شرق و غرب شایع و به فضلش عجم و عرب معترف گردید. جامع فنون علم، واسع الاحاطه، کثیر التتبع، دائم المطالعه، محدث رجالی، ادیب اریب بود. عمر شریف خود را در تصنیف و تألیف صرف کرد... آن بزرگوار در دیار هندیه سیدالمسلمین حقا و شیخ الاسلام صدقا بود و مردم عصرش قاطبه بر علو شأن او در دین و سیادت و حسن اعتقاد و کثرت اطلاع و سعۀ باع و لزوم طریقه سلف، معتقد و معترف بودند...^۲

فرزند برومندش، علامه آیت‌الله سید ناصرحسین موسوی بود، که از او هم در مقاله‌ای

۱. آقا بزرگ تهرانی، *نقباء البشر*، ج ۱، ص ۳۴۷ (ترجمه از استاد محمد رضا حکیمی دز: میرحامد حسین، ص ۱۲۱)

۲. موسوی خوانساری، سیدمحمد مهدی، احسن الودیعه، ج ۱، ص ۱۰۴ (ترجمه از حاج ملاعلی واعظ خیابانی در علمای معاصرین، ص ۳۰). درباره میرحامد حسین، مقاله مفصلی در *اختران فقاہت*، (ج ۱، صص ۲۳۱-۲۶۷) نگاشته‌ام

مفصل یاد کرده‌ام.^۱ نوه‌های او سید محمد نصیر موسوی (م ۱۳۸۶ق) و سید محمد سعید موسوی (م ۱۳۸۷ق) بوده‌اند.

۴. علامه سید غلام حسنین کتوری (۱۲۴۷-۱۳۳۷ق)؛ داماد سید محمدقلی موسوی. وی، بر زبان‌های عربی و فارسی مسلط بود و کتاب‌های بسیاری به سه زبان: اردو، عربی و فارسی تألیف و منتشر نمود. وی، در ۱۲۶۲ق با دختر علامه سیدمحمدقلی ازدواج نمود و در درس‌های میرحامدحسین و ممتاز العلماء حاضر شد و روزنامه «الاخبار» و کارخانه‌های ساعت سازی، صابون‌پزی و چاپخانه تأسیس کرد. او از داعیان تقریب بین شیعه و سنی بود و در تأسیس «ندوة العلماء» با شبلی نعمانی همکاری داشت. مرتضی حسین می‌نویسد:

«اطلاعات او در علوم قرآنی، حدیث، فقه، اصول، موسیقی، شیمی، علم جفر، ترشیع اعضا، فیزیک، فلسفه، طب و غیر آن‌ها در سطح عالی بود. قانون بوعلی را به صورتی فصیح به اردو ترجمه کرد و یکی از کتاب‌هایش انتصار الاسلام - در علم کلام - می‌باشد و مطالعه آن برای متفکران اسلامی بسیار مطلوب است. تجربیات علمی، تحقیقات طبی و مباحث فلسفی از کارهای روزمره وی بود. وی در حالی که طبابت می‌کرد، مقالات فراوانی در روزنامه‌ها و مجلات کشور به چاپ می‌رساند و به هرگونه اعتراضات علیه اسلام پاسخ می‌گفت.

تألیفات چاپی او عبارتند از:

۱. انتصار الاسلام (۳ج، اردو)؛

۲. مائتین در مقتل حسین (علیه السلام) (عربی و فارسی)؛

۳. طلاق حسینیه (عربی، اردو)؛

۴. حسینیه قرآنیه (عربی، اردو)؛

۵. ذوالجناحیه حسینیه؛

۶. مفارقات حسینیه و عثمانیه (عربی و اردو)؛

۷. شرح قانون بوعلی سینا (اردو)؛

۱. انصاری قمی، ناصرالدین، اختران فقاہت، ج ۲، صص ۸۹-۱۱۱

۸. شرح تشخیص جالینوس (فارسی)؛

۹. زینبیه - درباره همسران پیامبر خدا و ردّ نصارا (اردو)؛

و چندین کتاب خطی دیگر.

فرزندانش مولوی سید تصدق حسین و مولوی سید محمدعلی هم از جمله علمای بزرگ و فضیلتی فیض آباد بوده‌اند.

وی، در ۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۷ق (دسامبر ۱۹۱۹م) در فیض آباد درگذشت و در کنتور به خاک سپرده شد.^۱

مولوی تصدق حسین هم، شخصیت نامی لکهنو بود. در ۱۷ ربیع الثانی ۱۲۶۳ق زاده شد و نزد پدر بزرگوارش و دایی عالیقدرش میرحامد حسین و مفتی میرمحمدعباس شوشتری، فقه، اصول، حدیث، کلام و... را فراگرفت. سپس به دروس ممتاز العلماء سیدمحمد تقی حاضر شد و پس از آن به یاری داییش میرحامد حسین شتافت و او را در تألیف عباقت الانوار و استقصاء الافهام یاری رسانید و همزمان به تدریس هم پرداخت و طلاب تحت تأثیر اخلاق و مهربانی و تربیت او قرار گرفتند.

او در ۲۴ ربیع الاول ۱۳۱۴ق، از سوی نواب عمادالملک به سرپرستی کتابخانه مشهور آصفیه منصوب شد و ده‌ها نفر را در کتابشناسی، کتابداری، تحقیق تربیت کرد و در پیشرفت کتابخانه زحمات بسیار کشید و نسخه‌بدل‌های هزاران کتاب را به‌دست آورد و صدها محقق را دعوت و برای آنان، کار مهیّا و آماده کرد. نوادر متعدد را به‌دست آورد، فهرست‌ها را آماده و کتابخانه را به‌صورت یک اداره فعال تبدیل کرد و بسیاری از کتاب‌ها را به‌وسیله برادرش در لکهنو و دکن به چاپ رسانید. بسیاری از ادب‌دوستان، عالمان و دانشمندان به دعوت وی، به حیدرآباد سفر کردند و تحت تأثیر مهمان‌نوازی، اخلاق پسندیده و تواضع او قرار گرفتند. عبدالسیح انطاکی - شاعر مسیحی مصری - در شأن وی قصیده‌های عربی سرود و به چاپ رسانید.

وی، در پنجشنبه ۲۵ شوال ۱۳۴۸ق درگذشت و در تشییع جنازه‌اش، همه اهالی شهر حیدرآباد از هندو و مسلمان (شیعه و سنی) شرکت کردند و در قبرستان قطب شاهی مدفون شد.

فرزندانش مولانا سیدعباس حسین - سرپرست کتابخانه آصفیه - و سیدعلی محمد بودند.^۱
درگذشت:

آن عالم بزرگ شیعه، در اواخر عمرش به لکهنو بازگشت و به تألیفاتش و خدمات علمی و دینی اشتغال داشت تا سرانجام در ۸۴ سالگی بدروود حیات گفت.

رضوی عظیم آبادی می نویسد:

و جناب موصوف مدتی مدید در شهر میترتهه - میروت - قیام داشت و مفتی آن جا بود و در اواخر عمر خود به بلدة لکهنو مراجعت فرمود و حقیر هم به زیارت آن جناب شرف یافته‌ام. به غایت کبر سن و نهایت ضعف و پیری رسیده بود. با این همه، قوای سلیمه و حواس مستقیمه داشت. در این قرب زمان از دنیا رحلت نمود، رحمه الله تعالی.^۲

آزاد کشمیری هم می نویسد:

در اواخر عمر خود، به بلدة لکهنو مراجعت فرمود و در این جا به تألیف مشغول شد و تمامی اوقات خجسته ساعات را صرف طاعات و عبادات داشت، تا آن که مدت عمرش به آخر رسید و جناب باری، استیطان عالم باقی را از برای او اختیار فرمود...^۳ وفات علامه مذکور به تاریخ نهم شهر محرم الحرام سنه یکهزار و دو صد و شصت هجری، در بلدة لکهنو واقع شد و در حسینیة جناب غفران مآب - طاب ثراه - مدفون گشت.^۴

رضوی عظیم آبادی - در ادامه می نویسد:

«و جناب سلطان العلما (سیدمحمد فرزند سیددلدارعلی) و سید العلما (سیدحسین بن سید دلدار علی) و ممتاز العلما (سیدمحمد تقی بن سید العلما) و دیگر اکابر و اصاغر شهر بر جنازه او حاضر بودند و جناب سلطان العلما نماز جنازه خواندند و افاضل شهر، تاریخها در وفاتش گفته‌اند و میرعباس شوشتری که تاریخ عربی بسی لطیف فرموده، بر مزار مقدس او

۱. همان، صص ۱۵۵-۱۵۷

۲. تذکرة العلماء، ص ۳۲۱

۳. آزاد، میرزا محمدعلی، نجوم السماء، ص ۴۴۸

۴. همان، ص ۴۵۰؛ آقا بزرگ تهرانی، کرام البررة، ج ۳، ص ۲۵۴؛ محدث قمی، فوائد الرضویة، ص ۵۹۶ (ولی در آن، تاریخ وفات را به اشتباه ۱۲۶۸ نگاشته است).

مکتوب است. و بعضی شعرا تاریخ وفاتش چنین گفته‌اند: «رفت به نزد اله میر محمد قلی».^۱
آزاد کشمیری می‌نویسد:

«افضل عصر، در تاریخ وفاتش قصاید غراً و قطعات بدیعه نظم فرموده‌اند.
از آن جمله علامه المتأخرین مولانا و استاذنا السید محمد عباس التستری -
دام علاه - در مرثیه آن مرحوم این قصیده را که مشتمل بر بعض حالات
آن جناب است، فرموده:

وانني بيراعي لأنفخ الصورا وكان مسكنه الاولی كنتورا سنا هداه بكتنور قیكان طورا الوري محمد الطهر كان مذكورا وكان مشغلا بالكلام نحريرا تري المجرة ليلا تفتت نورا وكان سعيك عند الاله مشكورا كذاك عاش حميدا ومات مغفورا كان فضلها في الانام مشهورا فانما بهما الشرع صار منصورا ولا يشم اذا عنبرا وكافورا وفي القيامة فيهم يكون محشورا رحيل خامس اهل العباء منحورا وانه لتلقي الحسين مسرورا لموته هو اقبال يوم عاشورا	اريد ذكر محمد قلي و رحلته هو المهاجر باللكهنو مدفنه كانه هو نور الهدى و حيز بدا وفي بطانة مولي الزمان مجتهد لقد تفقه في الدين قادسا ورعا ابان جادة الحق باليراع كما جزاك ربك عن اهل دينه خيرا مضي و خلف ولداله اولي فضل و حين سجى صلى عليه مجتهدان محمد و حسين فداهما روجي ومن يشم شذا خلقهم يطيب نفسا كذاك أقر في روضهم و حائظهم مضي لتاسع شهر غداة عاشره مصابه بمصاب الحسين مقرون طقاً و قلت لتاريخ يوم رحلته
--	---

و باز به فارسی سروده است:

۱ . حسینی رضوی، سید مهدی، تذکرة العلماء، ص ۳۲۱. ولی این مصراع، معادل ۱۲۶۱ق است، در حالی که تاریخ وفات او ۱۲۶۰ است.

چون فاضل مفتی پسندیده خصال
 در بلدۀ لکهنو رسید از کنتور
 در ماتم او سپهر زد جامه به نیل
 با مجتهد العصر که همانم نبی است
 زین راه توان گفت که تقوا و ورع
 بر مرقد او نوشته شد تاریخش
 بگذشت ز عالم و به یزدن پیوست
 پس رخت سفر به سوی جنت بر بست
 رنگ رخ لاله در گلستان بشکست
 سررشتهٔ اختصاص بودش در دست
 فریاد کشیده در عزایش بنشست
 این قبر مقدس محمد قلی است

ایشان در نامه‌ای به فرزند بزرگ سید محمد قلی - جناب سید اعجاز حسین - می‌نویسد:
 از حوادث دردناک این روزگار، درگذشت پدر بزرگوارت - که تمام افتخارات
 را به دست آورده بود - می‌باشد. روزی، او را در بیماری فوتش عیادت
 کردم؛ پس با من مانند بزرگان، گفت‌وگو و رفتار داشت؛ اما پس از آن که
 به خانه برگشتم، کسی را برای عذرخواهی فرستاد که: در آداب میهمانی،
 کوتاهی شد (و پاس سیادت و بزرگیت، نگه داشته نشد). بار دیگر به
 عیادتش رفتم و بدو گفتم: ای بزرگوار! من توقع احترام و اکرام از اقران و
 امثال خود ندارم تا چه رسد به شما که از بزرگانی هستید که به قلّه‌های
 افتخار رسیده‌اید، گذشته از آن که بر بیمار هم حرجی نیست. سپس خبر
 وفاتش به من رسید؛ پس در اضطراب شدید افتادم و چاره‌های جز صبر
 ندیدم و این چند شعر را - که متن عربی و فارسیاش گذشت - سرودم.
 برادر! تو را به صبر و بردباری سفارش می‌کنم که گرفتاری دنیا پایانی
 ندارد و روزگار خیانتکار، وفايي ندارد و راه فراری از مصایب دنیا نیست،
 که: کل نفس ذائقة الموت. و کل من علیها فان.^۱

به نوشته صدرالاسلام خوبی: «نام نیکش نزد عامه و خاصه، استمرار دارد و از یادها نمی‌رود
 و آن به دلیل بزرگواری ذاتش و صفات شایسته‌اش و ملکات پسندیده‌اش و رفتار فاضله‌اش
 می‌باشد».^۲

۱. لکهنوی، میرمحمد مهدی، تکمله نجوم السماء، ج ۱، ص ۲۲۰

۲. صدرالاسلام خوبی، محمد امین، مرآة الشرق، ج ۲، ص ۱۵۰

فهرست منابع :

- ۱- آزاد کشمیری، محمد علی (ح ۱۲۸۸ق)، نجوم السماء فی تراجم العلماء، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.
- ۲- آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمد محسن (م ۱۳۸۹)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، (ج ۲۶)، بیروت.
- ۳- الکرام البررة فی القرن الثالث بعد العشره، (ج ۱ و ۲) مشهد، مرتضی.
- ۴- الکرام البررة (القسم الثالث)، تحقیق حیدر محمد علی البغدادی و خلیل النایفی، قم، مؤسسه الامام الصادق (علیه السلام) - ۱۴۲۷ق.
- ۵- تقیاب البشر فی القرن الرابع عشر (ج ۴)، تصحیح و اضافات سید عبدالعزیز طباطبائی، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۴ق.
- ۶- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، المآثر والآثار، تهران، سنایی.
- ۷- الانطاکي، محمد امین، لماذا اخترت مذهب الشیعه، قم، قرآن و عترت.
- ۸- انصاری قمی، ناصر الدین، اختران فقاهت، (ج ۲)، قم، دلیل ما، ۱۳۸۶ش/۱۴۲۸ق.
- ۹- حسینی اشکور، سید احمد، فهرست نسخه های خطی مرکز احیای میراث اسلامی.
- ۱۰- حسینی رضوی عظیم آبادی، سید مهدی (زنده در ۱۲۶۳)، تذکره العلماء المحققین فی آثار الفقهاء والمحدثین، تصحیح علی فاضلی، قم، مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۸۹ش/۱۴۳۱ق.
- ۱۱- حکیمی، محمدرضا، میر حامد حسین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ش/۱۴۰۰ق.
- ۱۲- سخیداد، برات علی، مقدمه تشدید المطاعن لكشف الضغائن، قم.
- ۱۳- صدر الاسلام خویی، محمد امین (م ۱۳۶۷)، مرآة الشرق (ج ۲)، تحقیق علی صدراپی خویی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۳۸۵ش/۱۴۲۷ق.
- ۱۴- صدر، سید حسن (م ۱۳۵۴ق)، تکمله امل الآمل، (ج ۶)، تحقیق حسینعلی محفوظ و عبدالکریم الدباغ و عدنان الدباغ، بیروت، دار المؤرخ العربی، ۱۴۲۹ق.
- ۱۵- لکهنوی کشمیری، میرزا محمد مهدی (م ۱۳۳۰ق)، تکمله نجوم السماء، قم، انتشارات بصیرتی.
- ۱۶- محدث قمی، (م ۱۳۵۹ق)، فوائد الرضویة فی تراجم علماء المذهب الجعفریة، چاپ اول، تهران، کتابخانه مرکزی.
- ۱۷- مدرس خیابانی، میرزا محمد علی (م ۱۳۷۲ق)، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب، (ج ۶)، چاپ اول، تهران، علمی.
- ۱۸- معلم حبیب آبادی، میرزا محمد علی (م ۱۳۹۶ق)، مکارم الآثار در احوال علمای دولت قاجار، (ج ۸)، تصحیح و تحقیق سید محمد علی روضاتی، چاپ اصفهان، اداره کل فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵ش.
- ۱۹- مرتضی حسین صدر الافاضل (م ۱۴۰۷ق)، مطلع انوار، ترجمه محمد هاشم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ش.
- ۲۰- موسوی خوانساری، سید محمد مهدی (م ۱۳۹۱ق)، احسن الودیعة فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعه، (ج ۲)، بغداد.
- ۲۱- موسوی لکهنوی، سید اعجاز حسین (م ۱۲۸۶ق)، کشف الحجب والاسرار عن وجه الكتب والاسفار، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۹ق.
- ۲۲- نقوی لکهنوی، سید احمد (م ۱۳۶۶ق)، ورثة الانبیاء. تصحیح علی فاضلی، قم، مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۸۹ش/۱۴۳۱ق.
- ۲۳- واعظ خیابانی، حاج ملا علی (م ۱۳۶۷ق)، علمای معاصرین، تبریز، قرشی.